

## رهبران دروغ می گویند، مردم غیر مسلح جان می دهند، و تجربه های تاریخی با بی اعتنائی روبرو می شوند

به خامه ی رابرت فیسک (Robert Fisk)<sup>۱</sup>

روزنامه *اینند یپیندنت (Independent)*، لندن، ۲۹ دسامبر ۲۰۰۸

ما آنقدر به کشتار در خاورمیانه عادت کرده ایم که دیگر به آن توجهی نمی کنیم - به این شرط که به اسرائیل بر نخورد. روشن نیست چند تن از کشته شدگان غزه غیرنظامی اند، اما واکنش دولت بوش - بدون ذکر واکنش بزدلانه ی گوردون بران - در ذهن اعراب همانی تأیید می کند که دهه هاست می دانند: اعراب هر راهی برای مبارزه با مخالفان خود انتخاب کنند، غرب سمت اسرائیل را خواهد گرفت. طبق معمول، مقصر سیل خون اعراب اند که - چنانکه می دانیم - تنها زبان زور را می فهمند.

از ۱۹۴۸ به این سو، پوچ گویی های بالا را از اسرائیلی ها شنیده ایم - همانگونه که [رهبران] ناسیونالیست عرب و سپس اسلامیت ها به دروغگویی خود ادامه داده اند: «ماشین مرگ» صهیونیست را واژگون خواهد شد، اورشلیم «آزاد» خواهد شد. و همواره آقای بوش-پدر، یا آقای کلینتون، یا آقای بوش-پسر، یا آقای بیلر، یا آقای بران هر دو سمت را به «خوداری» فراخوانده اند - گویی فلسطینیان و اسرائیلیان هر دو هواپیما های اف ۱۸، تانک های میرکاوا، و توپخانه ی میدانی در اختیار دارند. در هشت سال گذشته راکت های دست ساز حماس تنها ۲۰ اسرائیلی را به قتل رسانده اند، اما یک حمله هوایی سریع یک روزه ی اسرائیل، که ۳۰۰ تن فلسطینی را به قتل می رساند، با آن برابر است.

خونریزی جریان عادی خو را طی می کند. آری، حماس خشم اسرائیل را برانگیخت، همچنانکه اسرائیل خشم حماس را بر انگیخت، خشمی که توسط اسرائیل تحریک شد، [باز به نوبه ی خود] توسط حماس تحریک شد، که ... مقصودم را می فهمید؟ حماس راکت به اسرائیل پرتاب می کند؛ اسرائیل حماس را بمباران می کند؛ حماس راکت های بیشتری به سوی اسرائیل پرتاب می کند، و اسرائیل دوباره بمباران می کند. ... فهمیدید؟ و ما خواهان امنیت اسرائیل می شویم - به حق - اما نسبت به این کشتار عظیم و بیش از حد نامتناسب اسرائیل بی اعتنا می مانیم. این مادلن آلبرایت بود که یک بار گفت که اسرائیل «تحت محاصره» قرار داشت - گویی تانک های فلسطینی خیابان های تل آویو را اشغال کرده بودند.

تا دیشب نسبت کشته ها ۲۹۶ فلسطینی به یک اسرائیلی بود. در سال ۲۰۰۶، نسبت کشته ها عبارت بود از ۱۰ لبنانی به یک اسرائیلی. در این آخر هفته، در ظرف یک روز، نسبت کشته ها ابعاد تزایدی پیدا کرد - [برابر] جنگ خاورمیانه در ۱۹۷۳؟ [برابر] جنگ شش روزه ی ۱۹۶۷؟ [برابر] جنگ کانال سوئز در ۱۹۵۶؟ [برابر] جنگ استقلال/نکبت ۱۹۴۸؟

این بازی شرم آور و مخوفی است - امری که وزیر دفاع اسرائیل اهود باراک، ناخودآگاهانه اعتراف کرد، همان زمانی که در برنامه ی تلویزیون فاکس (Fox TV)<sup>۲</sup> اعلام داشت که «قصدم این است که قوانین بازی [جنگ] را تماماً تغییر دهیم.» دقیقاً.

<sup>۱</sup> روزنامه نگار مستقل و مترقی انگلیسی.

<sup>۲</sup> تلویزیون دست راستی آمریکا هوادار بوش و شرکاء. (م)

فقط اینکه «قوانین» بازی عوض نمی شوند. این لغزش دیگری در داد و ستد بین اعراب و اسرائیل است، درصد لغزشی هولناک تر از سقوط سهام وال ستریت (Wall Street)، اگرچه این امر در آمریکا حائز اهمیت زیادی نیست - به یاد بیاوریم - آمریکایی که هواپیماهای اف ۱۸ و میسیل های «آتش جهنم»، در اختیار اسرائیل گذاشتند، میسیل هایی که دولت بوش از اسرائیل تمنا می کند در استفاده از آن ها مضایقه به خرج دهد.

به نظر می رسد که تعداد زیادی از کشته ها اعضای حماس بوده باشند، اما این امر قرار است چه چیزی را حل کند؟ آیا حماس خواهد گفت: «آی، این حمله سریع هولناک است - بهتر است ما حکومت اسرائیل را به رسمیت بشناسیم، با دولت موقت فلسطین همراه شویم، سلاح های خود را به زمین بگذاریم و دعا کنیم که زندانی شده ایم، و برای مدت نامعلومی در زندان خواهیم ماند، و از یک "فرایند صلح" آمریکایی در خاورمیانه حمایت کنیم!» آیا این آن چیزی است که اسرائیلیان، آمریکاییان و گوردون بر آن فکر می کنند که حماس انجام خواهد داد؟ آری، بد بینی حماس، بد بینی همه ی گروه های مسلح اسلامیت را به یاد بیاوریم. نیاز آنان به شهدای مسلمان همانقدر حیاتی است که اسرائیل به کشتن آنان محتاج است. درسی که اسرائیل فکر می کند آموزش است - زانو بزنید و گرنه ما شما را خرد خواهیم کرد - درسی نیست که حماس می آموزد. حماس به خشونت نیازمند است تا بر ستم بر فلسطینیان تأکید ورزد - برای تأمین آن به اسرائیل نیازمند است. پرتاب چند راکت به اسرائیل، وی را بر سر لطف می آورد.

هیچ ناله ای هم از تونی بلیزر، سفیر صلح به خاورمیانه، در نمی آید، کسی که در این سمت تازه هرگز به غزه پای نگذاشته است. هیچ ناسزایی. ما همان خط مشی اسرائیل را می شنویم. ژنرال یاکوف آمیدور (Yaakov Amidor) رئیس پیشین «بخش تحقیق و تخمین» ارتش اسرائیل اعلام داشت: «هیچ کشوری در دنیا اجازه نمی دهد شهروندان اش آماج حمله ی راکت قرار گیرند، بدون آنکه اقداماتی مجدانه برای دفاع از آنان به عمل آورد.» کاملاً همین طور است. اما هنگامی که ارتش جمهوریخواه ایرلند از آن سوی مرز خمپاره به ایرلند شمالی پرتاب می کرد، هنگامی که پارتیزان های آن از مرز جمهوری ایرلند می گذشتند تا به کلانتری ها و پروتستان ها حمله برند، آیا بریتانیا با نیروی هوایی خود جمهوری ایرلند را به زیر بمباران می گرفت؟ آیا نیروی هوایی بریتانیا کلیساها، تانکر ها، و کلانتری ها را [در ایرلند] بمباران می کرد و ۳۰۰ غیر نظامی را به زیر آتش خود می گرفت تا به ایرلندیان درسی بیاموزد؟ نه، چنین نکرد. زیرا دنیا چنین عملی را چون رفتاری جنایتکارانه ارزیابی می کرد. ما [بریتانیان] نمی خواستیم خود را تا حد ارتش جمهوریخواه ایرلند تنزل دهیم.

درست است، اسرائیل به امنیت نیاز دارد. اما این سیل های خون آن را تأمین نخواهند کرد. از ۱۹۴۸ تا کنون حملات هوایی از اسرائیل حفاظت نکرده اند. از ۱۹۷۵ تا کنون اسرائیل هزاران بار لبنان را بمباران کرده است، اما هرگز «تروریسم» را ریشه کن نکرده است. خُب، واکنش دیشب چه بود؟ حماس در انتظار نبرد دیگری است. سیاستمداران غربی ما از ترس به سوراخ های خود می تپند. و جایی در شرق - در غاری؟ زیر زمینی؟ در کنار کوهی؟ مُعَمَم شناخته شده ای لبخند می زند. (مترجم: خسروشاکری-زند)